

## روش تصحیح متن در دیوان منوچهری دامغانی، به تصحیح محمد دبیرسیاقی و پیش‌نهادهایی درباب بعضی ابیات دیوان

راضیه آبادیان\*

### چکیده

تاکنون چندین تصحیح از دیوان منوچهری دامغانی در ایران و خارج از ایران انجام گرفته است. از میان این تصحیحات، تصحیح محمد دبیرسیاقی شناخته‌شده‌ترین و معتبرترین تصحیح از دیوان منوچهری است. اما، این تصحیح نیز دچار اشکالات فراوانی است. نوشته پیش‌رو، چنان‌که از عنوان آن نیز برمی‌آید، نقدی است بر روشی که مصحح در تصحیح دیوان منوچهری دامغانی در پیش گرفته است. در این نقد، به ۴ مقوله پرداخته شده است: ۱. نحوه گزینش، معرفی، و به‌کارگیری نسخ، ۲. روش تصحیح متن، ۳. ویرایش‌هایی که در چاپ‌های بعدی انجام گرفته است، و ۴. چگونگی گزینش بیت‌های اصلی و الحاقی منوچهری. هم‌زمان با بررسی این ۴ مقوله، بیت‌هایی از دیوان نیز تصحیح مجدد شده است. در این تصحیحات، معمولاً از دست‌نویس‌های دیگری جز دست‌نویس‌های این چاپ نیز استفاده شده است که بعضی کهن‌تر از دست‌نویس‌های استفاده‌شده در چاپ دبیرسیاقی و بعضی دیگر نیز معتبرتر هستند.

**کلیدواژه‌ها:** منوچهری، نظم سده پنجم، تصحیح متن، روش تصحیح.

### ۱. مقدمه

دیوان منوچهری به تصحیح دبیرسیاقی (چاپ اول: ۱۳۲۶ ش) معتبرترین چاپ از میان چاپ‌های مختلف دیوان این شاعر است (برای دیدن توضیحات درباره دیگر چاپ‌های دیوان منوچهری، بنگرید به بخش «پیشینه تحقیق»). از مزیت‌هایی که این چاپ بر دیگر

\* دکترای زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، razie.abadian@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۱

چاپ‌های موجود از دیوان منوچهری دارد استفاده مصحح از تعداد زیادی دست‌نویس (یعنی ۲۱ دست‌نویس) است و، در کنار آن، به اختلافات سه دیوان چاپی نیز اشاره شده است. در زمان تصحیح این اثر، استفاده از این تعداد دست‌نویس در تصحیح یک متن چندان معمول نبوده است و همین بر ارزش کار مصحح می‌افزاید و از این نظر کار او بسیار تحسین‌برانگیز است؛ زیرا منوچهری شاعری است که دست‌نویس ارزش‌مندی از دیوان او برجای نمانده است و برای تصحیح ابیات دیوان او نمی‌توان تنها به چند دست‌نویس متأخر کم‌اعتبار اعتماد کرد. اما، این چاپ، در کنار مزیت‌هایی که دارد، دچار ایرادات و اشکالاتی نیز است که بعضی از این اشکالات از روشی که مصحح در تصحیح متن برگزیده سرچشمه گرفته است. در این مقاله، کوشش شده است که روش تصحیح این دیوان نقد شود و، به موازات نقد، بعضی ابیات دیوان تصحیح شود. در تصحیح ابیات، جز دست‌نویس‌هایی که مصحح این چاپ از آن‌ها استفاده کرده، دست‌نویس‌های دیگری نیز به کار آمده است. بیش‌تر این دست‌نویس‌ها، چه از لحاظ قدمت چه از نظر اعتبار و درستی ضبط‌ها، مورد اعتمادتر و اصیل‌تر از دست‌نویس‌های دیوان چاپی است.

## ۱.۱ معرفی نسخ استفاده‌شده در این مقاله

حال نسخه‌های استفاده‌شده از دیوان منوچهری در مقاله معرفی می‌شود:

- دست‌نویس «پا»: دست‌نویس شماره ۷۲۵ کتاب‌خانه ملی پاریس، تاریخ کتابت: احتمالاً اواخر سده نهم هجری (این دست‌نویس را دبیرسیاقی در اختیار نداشته است)؛
- دست‌نویس «مر»: دست‌نویس شماره ۴۶۶۹ در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران، تاریخ کتابت: ۱۰۱۰ ق (این دست‌نویس را دبیرسیاقی در اختیار نداشته است)؛
- دست‌نویس «مل»: دست‌نویس شماره ۵۰۰۴ کتاب‌خانه ملک، تاریخ کتابت: ۱۰۱۱ ق (این دست‌نویس اقدم‌نسخ در چاپ دبیرسیاقی است و در آن‌جا نیز با همین نشانه اختصاری آمده است)؛
- دست‌نویس «تب»: مجموعه ۲۵۸۶/۳ (شماره جدید: ۵۷) در کتاب‌خانه مرکزی (ملی قدیم) تبریز، تاریخ کتابت: ۱۲۵۸ ق (این دست‌نویس را دبیرسیاقی در اختیار نداشته است)؛
- دست‌نویس «گل ۱»: شماره ۱۱۰/۵-۸۲۰ در کتاب‌خانه گلپایگانی قم، تاریخ کتابت: ۱۲۰۴ ق (این دست‌نویس را دبیرسیاقی در اختیار نداشته است)؛

- دست‌نویس «مل ۲»: شماره ۵۲۷۵ در کتاب‌خانه ملک، تاریخ کتابت: ۱۲۵۸ ق  
(این دست‌نویس را دبیرسیاقی در اختیار نداشته است)؛
- دست‌نویس «گل ۲»: دست‌نویس شماره ۴۴/۳۸-۷۴۲۴ در کتاب‌خانه گلپایگانی قم، تاریخ کتابت: ۱۲۶۰ ق (این دست‌نویس را دبیرسیاقی در اختیار نداشته است)؛
- دست‌نویس «د»: دست‌نویس شماره ۲۲/۹۱ کتاب‌خانه دهخدا، تاریخ کتابت: احتمالاً ۱۲۶۰ ق (این دست‌نویس را دبیرسیاقی در اختیار نداشته است)؛
- مجموعه لطایف و سفینه ظرایف (جام هروی ۷۵۹-۸۰۴)، فراهم‌آمده بین سال‌های ۷۵۹ تا ۸۰۴ ق؛
- تش: تذکرة الشعرا یا جنگ ۹۰۰ مجلس، تاریخ کتابت: احتمالاً اواخر سده هفتم یا اوایل سده هشتم؛
- جم: جنگ کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران، تاریخ کتابت: سده هفتم؛
- خ: خلاصه الاشعار، دست‌نویس ۲۷۲ فیروز موجود در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی؛
- جنگ شماره ۴۴ موجود در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.
- هم‌چنین، نام بعضی از دست‌نویس‌ها به‌نقل از چاپ دبیرسیاقی در این مقاله آمده است که عبارت‌اند از: الف، مج ۱، مج ۲، مج ۳، مج ۴، ر، س ۱، ع، عد، ک، م ۱، م ۲، مو، ن ۱، ن ۲، نظ، نو. توضیحات درباره این دست‌نویس‌ها در مقدمه دیوان چاپی آمده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

ظاهراً نخستین کسی که به‌جد به گردآوری و تصحیح دیوان منوچهری پرداخته رضاقلی‌خان هدایت بوده که در ۱۲۶۰ ق به این کار دست زده و تا سال‌ها هم‌چنان در کار تصحیح دیوان منوچهری بوده است. بیش‌تر دست‌نویس‌هایی که پس از ۱۲۶۰ ق کتابت شده‌اند از روی همین دیوان گردآوری شده هدایت نوشته شده‌اند. هم‌چنین، طبع‌های سنگی و چاپی نیز همگی تحت‌تأثیر هدایت و حتی همراه با مقدمه او بر دیوان بوده‌اند.

از میان مشهورترین چاپ‌های موجود از دیوان منوچهری، جز چاپ‌های سنگی، این موارد را می‌توان نام برد: چاپ کازیمیرسکی در سال ۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۶ م در پاریس، چاپ محمدحسین نهاوندی در سال ۱۳۱۸ در تهران، چاپ محمد دبیرسیاقی در سال ۱۳۲۶ در تهران، چاپ برات زنجانی در سال ۱۳۸۷ در تهران، تصحیح حبیب یغمایی (پایان کار در سال ۱۳۲۵) به‌کوشش آل‌داود در سال ۱۳۹۲ در تهران، و تصحیح سعید شیرینی در سال ۱۳۹۵ در تهران.

دربارهٔ چگونگی این چاپ‌ها و چندوچون این تصحیحات، تاکنون چندین مقاله به چاپ رسیده است؛ تازه‌ترین آن‌ها مقالهٔ «نقد و بررسی تصحیح و شرح دیوان اشعار منوچهری دامغانی» از دالوند است (۱۳۹۵) که در نقد چاپ برات زنجانی نوشته شده است. نگارنده در سال ۱۳۹۴ نقدی بر دیوان منوچهری به تصحیح حبیب یغمایی، با عنوان «سخنی چند دربارهٔ دیوان منوچهری دامغانی به تصحیح حبیب یغمایی»، نوشته که به چاپ رسیده است (آبادیان ۱۳۹۴) و هم‌چنین در نقد دیوان به تصحیح سعید شیری مطلبی نگاشته است (آبادیان ۱۳۹۶).

### ۳. بررسی روش مصحح و نیز تصحیح چند بیت از دیوان منوچهری

#### ۱.۳ نحوهٔ گزینش، معرفی، و به‌کارگیری نسخ

همان‌طورکه پیش‌تر نیز گفته شد، مصحح در تصحیح این اثر از چند ده دست‌نویس بهره برده است؛ اما، چند اشکال در همین زمینه بر کار او وارد است که در ادامه بیان می‌شود.

#### ۱.۱.۳ به‌دست‌ندادن اطلاعات کافی دربارهٔ دست‌نویس‌ها

در مقدمهٔ کتاب، اطلاع دقیقی دربارهٔ بعضی از دست‌نویس‌های مورد استفاده در این اثر دیده نمی‌شود؛ برای مثال معلوم نیست دست‌نویس «عد» چه دست‌نویسی است و آیا شمارهٔ ۲۴ در بخش «مشخصات نسخه‌های دیوان منوچهری» (بنگرید به منوچهری ۱۳۹۰: چهارده) راجع به این دست‌نویس است یا نه؛ و اصلاً این دست‌نویس اکنون در کدام کتاب‌خانه موجود است. نیز، توضیح دربارهٔ دست‌نویس «د» هم در این بخش از قلم افتاده است. اطلاعات دربارهٔ دیگر دست‌نویس‌ها نیز بسیار ناقص است و در تجدید چاپ‌های مکرری که از این اثر شده باز هم این اشکال برطرف نشده است.

#### ۲.۱.۳ نداشتن معیاری ثابت برای گزینش دست‌نویس‌ها

پیش از آن‌که به این بخش پرداخته شود، لازم است به این نکته اشاره شود که بیش‌تر دست‌نویس‌هایی که از دیوان منوچهری برجای مانده‌اند دست‌نویس‌هایی هستند که از روی دیوان مصحح رضاقلی خان هدایت و پس از ۱۲۶۰ ق نوشته شده‌اند و بهتر است، برای سامان‌دهی به ذهن و نیز برای دسته‌بندی نسخ و درپیش‌گرفتن روشی معقول در انتخاب آن‌ها، دست‌نویس‌های موجود را به دو دستهٔ پیش و پس از این تاریخ (۱۲۶۰ ق) بخش کرد.

با بررسی ای که نگارنده دربارهٔ بیش از ۷۵ دست‌نویس دیوان منوچهری انجام داده، به این نتیجه رسیده است که دست‌نویس‌های پیش از این تاریخ اغلب به‌کلی با دست‌نویس‌های کتابت‌شده پس از این تاریخ فرق دارند؛ بنابراین، نه تنها در تصحیح دیوان منوچهری باید از آن‌ها بهره برد، بلکه باید ضبط آن‌ها را در اولویت قرار داد. نسخ کتابت‌شده پس از این تاریخ نیز خود به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ باتوجه‌به میزان و شمار و ترتیب اشعار و نوع ضبط‌ها می‌توان این دسته‌بندی را انجام داد. از میان این‌ها، باید، با وسواس بسیار، از هر دسته یک یا حداکثر دو دست‌نویس را که ضبط‌هایی اصیل‌تر دارند برگزید.

اما، ملاک مصحح در گزینش دست‌نویس‌ها روشن نیست؛ زیرا دست‌نویس‌هایی اصیل‌تر و کهن‌تر از آنچه مصحح برگزیده نیز وجود داشته است؛ مثلاً چندین دست‌نویس با تاریخ کتابت پیش از سال ۱۲۶۰ ق موجود بوده است که ضرورت داشت مصحح آن‌ها را در تصحیح به‌کار ببرد. از این میان، برای نمونه، می‌توان دست‌نویس شماره ۴۶۶۹ در کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران (تاریخ کتابت: ۱۰۱۰ ق) و دست‌نویس شماره ۲۵۸۶/۳ (تاریخ کتابت: ۱۲۵۸ ق) در کتاب‌خانهٔ ملی تبریز را نام برد. شمار دست‌نویس‌هایی که در سال ۱۲۶۰ ق کتابت شده‌اند بسیار زیاد است و در کتاب‌خانه‌های مختلف تهران و ایران به‌فراوانی یافت می‌شوند و بعضی از نظر اعتبار نیز قابل توجه‌اند؛ ولی، در تصحیح دبیرسیاقی بدان‌ها توجهی نشده است.

برای روشن‌تر شدن مطلب، تاریخ دست‌نویس‌های تاریخ‌دار چاپ دبیرسیاقی در این‌جا ذکر می‌شود: مج ۱: نیمهٔ دوم سدهٔ سیزدهم، مج ۲: ۱۲۹۸ ق، مج ۳: ۱۳۱۵ ق، مج ۴: ۱۲۸۲ ق، م ۱: ۱۲۸۸ ق، م ۲: ۱۲۷۶ ق، س ۱: حدود ۱۲۹۰ ق، ک: ۱۲۹۰ ق، الف: ۱۲۸۰ ق، مو: ۱۲۷۸ ق، ر: ۱۲۶۵ ق، ع: ۱۲۷۷ ق، نظ: ۱۲۶۴ ق، مل: ۱۰۱۰ ق، و عد (?): ۱۰۵۱ ق.

همان‌طور که دیده می‌شود، جز دست‌نویس‌های مل، عد (?)، ر، و نظ، بقیه از نظر تاریخ کتابت اهمیتی ندارند و اگر انتخابی صورت گرفته است، باید براساس اعتبار آن دست‌نویس‌ها بوده باشد. اما، ظاهراً چنین ملاکی در این چاپ همیشه مدنظر نبوده است؛ چراکه در مورد بعضی از همین دست‌نویس‌ها، جملاتی هم‌چون «ازلحاظ صحت، امتیازی بر دیگر نسخه‌ها ندارد» (منوچهری ۱۳۹۰: سیزده، دربارهٔ دست‌نویس مو) و «روی هم‌رفته مزیتی بر دیگر نسخه‌ها ندارد» (همان: چهارده، دربارهٔ دست‌نویس نظ) آمده است. پرسشی که برای خواننده پیش می‌آید این است که پس سبب برگزیدن این نسخ و استفاده از آن‌ها در این چاپ چه بوده است؟ به‌ویژه در مواردی که دست‌نویس از نظر تاریخ کتابت هم ارزشمند نیست.

اگر سال کتابت را نیز در نظر نداشته باشیم و اعتبار دست‌نویس به‌تنهایی برایمان کافی باشد، باز هم دست‌نویس‌هایی وجود داشته‌اند که در این چاپ از آن‌ها استفاده‌ای نشده است و این‌ها بسیار معتبرتر از دست‌نویس‌های به‌کاررفته در این چاپ هستند. برای مثال، از نسخ کتاب‌خانهٔ مجلس، مصحح پنج نسخهٔ کم‌اعتبار را برای تصحیح برگزیده است. در این کتاب‌خانه دست‌نویسی با شمارهٔ ۲/۲۶۷۴ و تاریخ کتابت ۱۲۶۰ ق موجود است که کاتب آن را برای محمدتقی سپهر نوشته است و دارای حواشی چند تن، از جمله ملک‌الشعراى بهار، است و از نظر اصالت ضبط نیز بر هر پنج دست‌نویس منتخب مصحح برتری دارد.

### ۳.۱.۳ کم‌توجهی به دست‌نویس‌های معتبرتر در روند تصحیح متن

اشکال دیگری که می‌توان بر چگونگی کار مصحح گرفت آن است که، از میان همین دست‌نویس‌های مورد استفادهٔ مصحح، اتفاقاً به نسخه‌هایی که ضبط‌های اصیل‌تری دارند کم‌تر توجه شده است؛ برای مثال، دست‌نویس نظ از دست‌نویس‌های نسبتاً معتبر این چاپ است، اما مصحح آن را دست‌نویس ارزش‌مندی به‌شمار نیاورده است (برای آگاهی از نظر مصحح دربارهٔ این دست‌نویس بنگرید به بخش ۲.۱.۳). یا، با آن‌که دست‌نویس مل کهن‌ترین دست‌نویس در این تصحیح است و دست‌نویس‌های ع و عد دست‌نویس‌های نسبتاً معتبر و ارزش‌مندی هستند، در این تصحیح آن‌چنان که باید بدان‌ها توجه نشده است. ضبط‌های این نسخ قدیمی‌تر در تصحیح متن چندان تأثیری نگذاشته است و مصحح، در بیش‌تر موارد، ضبط‌های آسان و آسان‌فهم و روان‌شدهٔ دست‌نویس‌های متأخرتر را به‌جای آن‌ها برگزیده است. ضبط‌های غیراصیل و تحریف‌گشته و تصحیف‌شده به اندازه‌ای در این چاپ فراوان است که به‌نظر می‌رسد مصحح قاعدهٔ ضبط دشوارتر را به‌کلی کنار گذاشته و حتی برخلاف آن عمل کرده است. چنین است که، در بسیاری از موارد، ضبط‌های یک‌دست و روان‌شدهٔ دست‌نویس‌های متأخرتر را به متن آورده و متن را کم‌وبیش چندین سده از روزگار منوچهری نوتر کرده است. برای نمونه، به چند بیت که در آن‌ها ضبط دست‌نویس‌های کهن‌تر نادیده گرفته شده است اشاره می‌شود:

سحاب او به‌سان دیدگان من      به‌سان آه سرد من صبای او

(منوچهری ۱۳۹۰: ۹۳)

در مصراع دوم، در دست‌نویس‌های کهن‌تر (پا، مر، مل، گل ۱، مل ۲، و تب) «باد سرد» و در دست‌نویس‌های متأخرتر (مج ۱، گل ۲، و د) «آه سرد» آمده است. در چاپ دبیرسیاقی،

همین ضبطِ نسخ متأخرتر وارد متن شده است. آشکار است که در دست‌نویس‌های جدیدتر «باد» را به «آه» تبدیل کرده‌اند تا برایشان مأنوس‌تر و آشنا‌تر باشد؛ اما صورت درست همان «باد سرد» است که در متن‌های کهن در معنای «آه سرد» نمونه‌های فراوان دارد.

نمونهٔ دیگر بیت زیر است:

در مجلس احرار سه چیزست و فزون به      وان هر سه شرابست و ربابست و کبابست

(همان: ۹)

در این جا، مصراع دوم موضوع بحث است؛ نخست آن که اصلاً اختلاف دست‌نویس مل، قدیم‌ترین دست‌نویس در این چاپ، ذکر نشده است. در مل، بیت بدین صورت آمده است: «در مجلس احرار حیر [بی نقطه. به خطی جدیدتر تبدیل شده است به: سه چیز] مست فرو نه / آسوده کبابست و شرابست و ربابست» (همان). دیگر آن که کاتبان دست‌نویس‌های متأخرتر «آسوده» را در مصراع دوم، به سبب ناآشنایی با معنای آن، به «وان هر سه» تغییر داده‌اند. در این جا نیز مصحح ضبط جدید آسان‌شده را به متن برده است. اما «آسوده» چیست؟ صفت «آسوده» برای مایعات یعنی «بی حرکت و ساکن»، مانند «آسوده آب»، «آسوده دریا»، «آسوده شراب»، و غیره. «آسوده شراب» یعنی شراب «از کفک و جوش فرونشسته» (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل «آسوده») و نیز باده‌ای که دُرْدی آن ته‌نشین شده باشد. در زیر، نمونه‌هایی ذکر می‌شود که در آن‌ها «آسوده» صفتی برای شراب / می / باده است:

نداده باده ای آسوده امشب      به آبم می دهی پالوده امشب

(عطار (؟) ۱۳۳۹: ۱۲۲)

بزم نوروز بساز و می آسوده بخواه      تا به بزم تو همه باده مقطر گیرند

(مجیرالدین بیلقانی ۱۳۵۸: ۷۷)

می آسوده به خم اندر چون زنگ شده‌ست      نه روا باشد بر آینه وصل تو زنگ

(امیرمعزی ۱۳۱۸: ۸۲۳)

شاه را تابنده کرد آن تن درستی در بزه      شد تنش پالوده چون از باده آسوده لاد

(قطران ۱۳۳۳: ۴۶۹)

بنابراین، ضبط «آسوده» که در دست‌نویس مل نیز آمده درست است. جز این دست‌نویس، دست‌نویس‌های مر (کتابت: ۱۰۱۰ ق) و مل ۲ (کتابت: ۱۲۵۸ ق) نیز، که هر دو هم‌چون

دست‌نویس مل پیش از ۱۲۶۰ ق کتابت شده‌اند و برای دیوان منوچهری دست‌نویس‌هایی نسبتاً کهن به‌شمار می‌آیند، همین ضبط را دارند.

در مورد ترکیب «آسوده کباب» که در مل و بعضی از دست‌نویس‌های دیگر آمده باید گفت که «آسوده» برای «کباب» صفت خوبی نیست و به معنی «کباب مانده» است، برخلاف کاربرد این صفت برای «شراب» که صفتی مثبت است؛ بنابراین، ضبط مر را باید برای این بیت برگزید: «آسوده شرابست و کبابست و ربابست».

نمونه دیگری از نادیده‌گرفتن ضبط نسخ کهن تر ذکر می‌شود:

[آبی چو یکی کیسگی از خز زردست      در کیسه یکی بیضه کافور نهانست]<sup>۱</sup>  
وندر دل آن بیضه کافور ریاحی      ده نافه و ده نافگک مشک نهانست

(منوچهری ۱۳۹۰: ۱۳)

می‌گوید: میوه آبی (به) همانند کیسه‌ای از خز زرد است که در کیسه، بیضه‌ای تخم مرغ شکل<sup>۲</sup> از کافور پنهان است (کافور اشاره دارد به رنگ سفید درون به). درون آن بیضه کافور ریاحی (نوع مرغوبی از کافور)، ده نافه و ده نافگک مشک پنهان است (ظاهراً اشاره دارد به هسته‌های سیاه به و پوشش دور هسته‌ها). بیت با این ضبط روان و قابل فهم است، اما دست‌نویس‌ها چه می‌گویند؟

ابتدا به مصراع اول پرداخته می‌شود. در دست‌نویس مل، به جای «دل آن» آمده است «دله». ضبط «دله» را در دست‌نویس مر و چندین دست‌نویس نسبتاً کهن دیگر نیز می‌توان دید (البته اختلاف ضبط مل در این چاپ ذکر نشده است). «دله» به معنی «دل و درون چیزی» است و اتفاقاً در همین قصیده منوچهری باز هم آمده و ضبط غریبی نیست؛ آن بیت بدین قرار است:

خسرو تنه ملک بود او دله ملک      ملکت چو قران او چو معانی قران است

(همان: ۱۴)

پس، دلیلی برای کنار گذاشتن ضبط دست‌نویس‌های کهن تر و آوردن ضبط دست‌نویس‌های جدیدتر در متن وجود ندارد؛ بنابراین، باتوجه به آنچه در کهن‌ترین دست‌نویس‌ها آمده است، ضبط درست مصراع باید چنین باشد: «وندر دله بیضه کافور ریاحی».

حال به مصراع دوم پرداخته می‌شود. در پانویس این بیت، به اختلاف نسخ این گونه اشاره شده است: «نو: شاخگک؛ عد: شافکک؛ ع، نظ: شافلک». ضبط دست‌نویس مل نیز که



در پانویس از قلم افتاده «شافلک» است. اما، چرا ضبط تمام دست‌نویس‌های کهن کنار گذاشته می‌شود و ضبطی آسان (نافگک) از دست‌نویسی متأخرتر به متن برده می‌شود؟ در چنین مواقعی، حتی اگر معنای این کلمه روشن نباشد، به‌آسانی نباید از آن گذشت. در این موارد، بهتر است ضبط اکثر نسخ و به‌ویژه نسخ کهن‌تر را به متن برد و، با گذاشتن نشانه «(؟)» در جلوی بیت، روشن‌نبودن معنای بیت (از نظر مصحح) را نشان داد. اما، در این بیت اتفاقاً کلمه‌ای درست است که در نسخ کهن‌تر به‌صورت اصلی یا به‌تصحیف آمده و معنا هم دارد؛ نگارنده پیش‌تر در جایی دیگر درباره‌ی این واژه توضیحاتی داده است که در این جا به اختصار به آن پرداخته می‌شود (برای تفصیل در این باره، بنگرید به آبادیان ۱۳۹۲: ۳۵۹-۳۶۵). «شافلک / شافکک / شاخکک» که در چندین دست‌نویس دیوان منوچهری آمده هر سه گشته «شافگک» هستند. این واژه با این کاربرد از فرهنگ‌های لغت جا افتاده است. تعریفی که از «شافه» (= شیاف) در فرهنگ‌ها آمده است، با کمی تفاوت در عبارات و جملات، چنین است:

شیاف ج «شافه»، واژه‌ای عربی از ریشه «ش و ف»، ادویه چشم و مانند آن، شاف و هر داروی جامد مخروطی شکل که در مقعد یا مهبل کنند؛ دارویی چند که یک‌جا کرده، در چشم و جز آن کنند؛ هر داروی مفرد یا مرکب و معجونه یا تراشیده که به‌شکل هسته خرمایی بزرگ‌تر یا خردتر کنند (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل «شیاف» و «شافه»).

اما گذشته از این کاربرد و این معنا، در متون پزشکی، عطرنامه‌ها، و دیگر متونی که سخنی از مشک در آن‌ها آمده است، گاه به‌معنای دیگری از واژه شیاف / شافه برمی‌خوریم که، به‌دلیل ناآشنایی کاتبان یا مصححان با این معنا، معمولاً در نویسش و تصحیح این کلمه گشتگی و تصحیف و اشتباه رخ داده است. «شافه» یا «شیاف» پاره‌هایی از خون «بسته محکم‌شده» در میان نافه مشک است (بنگرید به ابوریحان بیرونی ۱۳۷۰: ۵۷۸؛ نصیرالدین طوسی ۱۳۴۸: ۲۴۷؛ ابن مندویه ۱۳۵۴: ۲۲۷-۲۲۸؛ کاشانی ۱۳۴۵: ۲۵۱) و در بسیاری از نافه‌های گونه‌های مختلف مشک این شافه یا شیاف وجود داشته است (بنگرید به نصیرالدین طوسی ۱۳۴۸: ۲۴۷؛ «عطرنامه علائی» ۱۳۴۷: ۲۵۸-۲۶۰؛ شهرمدان ابوالخیر ۱۳۶۲: ۵۴۴).

حال با روشن‌شدن معنای «شافه» مشک، اگر دوباره به بیت بنگریم، می‌توانیم پوشش دور دانه‌های به را نافه و دانه‌های ریز سیاه درون آن را شافه مشک بدانیم؛ شاید هم بهتر باشد، به‌سبب آمدن عدد «ده» برای «نافه» و «شافه»، هردو (هم نافه و هم شافه با هم) را تشبیهی از دانه‌های سیاه درون میوه به‌شمار آوریم؛ زیرا این تعداد برای دانه‌ها مناسب‌تر است تا برای پوشش دور هسته‌ها.

با این توضیحات صورت پیش‌نهادی نگارنده برای بیت این است:

وندرد دله بیضه کافور ریاحی      ده نافه و ده شافگک مشک نهانست

نمونه‌ای دیگر از کنارنهادن ضبط دست‌نویس‌های کهن‌تر ذکر می‌شود:

[المنه لله که این ماه خزانست      ماه شدن و آمدن راه رزانست]

از بس که درین راه رز انگور کشانند      این راه رز ایدون چوره کاهکشانست

(منوچهری ۱۳۹۰: ۱۳)

در دست‌نویس‌های مل، نظ، و ع به جای «کشانند» آمده است «کشادند» (البته به اختلاف دست‌نویس مل در پانویس اشاره نشده است). هم‌چنین، در دو دست‌نویس مر (کتابت: ۱۰۱۰ ق) و تب (۱۲۵۸ ق) و بسیاری از دست‌نویس‌های دیگر همین ضبط آمده است. اما، مصحح ضبط آسان‌تر «کشانند» را برگزیده است. لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷: ذیل «انگور») همین بیت از منوچهری را ذکر کرده و «انگورکش» را «کشنده و حمل‌کننده انگور» معنی کرده است که درست نیست. در این بیت، «انگور» مفعول جمله و «کشادند» فعل آن است؛ «انگور گشادن» به معنی «انگور چیدن» است. فعل «گشادن» در این جا کاربردی چون فعل «بازکردن»<sup>۳</sup> برای میوه‌ها و برگ‌ها و گل‌ها دارد و به معنی «چیدن» به کار رفته است. نظامی نیز در اقبال‌نامه (۱۳۷۹: ۲۰۹) «برگشادن» را به معنی «چیدن» میوه آورده است:

ز لشکر یکی دست برزد فراخ      کزان میوه‌ای برگشاید ز شاخ

بنابراین، صورت درست مصراع همان است که در دست‌نویس‌های کهن‌تر آمده است: «از بس که درین راه رز انگور گشادند...».

حال به نمونه‌ای دیگر از کنارنهادن ضبط دست‌نویس‌های کهن‌تر و اشکال در تصحیح پرداخته می‌شود:

دیوست آن کس که هست عاصی در امر او      دیو در امر خدای عاصی باشد نعم

(منوچهری ۱۳۹۰: ۷۱)

شاعر کسان را که در برابر ممدوح سرکشی می‌کنند «دیو» خوانده است، همانند شیطان که در برابر خداوند سرکشی می‌کند. بیت سرراست و روشن است، اما آیا دست‌نویس‌ها هم به همین صورت هستند؟ در پانویس مربوط به مصراع دوم آمده است: «ن ۱، ن ۲، عد: خود اندر». از میان دست‌نویس‌های این چاپ، ضبط دست‌نویس مل نیز، که در پانویس از قلم

افتاده، همین است. جز این، در دست‌نویس مر (کتابت: ۱۰۱۰ ق) هم مصراع به همین صورت که در مل دیده می‌شود آمده است. اما در دست‌نویس‌های متأخرتر، ظاهراً به سبب ناآشنایی کاتبان با این نحو، «خود اندر» به «در امر» تغییر یافته و همین صورت غیراصیل دست‌نویس‌های متأخرتر به متن چاپی راه یافته است.

«در کسی عاصی شدن»، به معنی «سرکشی کردن از کسی»، صورتی کهن است که اتفاقاً آن را به فراوانی در متون می‌توان دید. برای نمونه، به دو مورد از این موارد اشاره می‌کنم:

ور به کوه اندر عاصی شود اندر تو پلنگ      میش با فر تو بیرون برد از تنش عصب

(قطران ۱۳۳۳: ۴۴)

در شهنشاہ عاصیم عاصی      در خداوند کافر کافر

(مسعود سعد سلمان ۱۳۶۴: ج ۱، ۳۰۴)

بنابراین، نیازی به کنار گذاشتن ضبط دست‌نویس‌های کهن‌تر و برگزیدن ضبط دست‌نویس‌های جدیدتر نیست و بیت را باید بدین صورت ویراست:

دیوست آن کس که هست عاصی در امر او      دیو خود اندر خدای عاصی باشد نعم

### ۴.۱.۳ یک دست‌نبودن شیوه ارائه اختلاف نسخ

اشکال دیگری که بر کار مصحح می‌توان گرفت آن است که در ارائه اختلاف نسخ روش یکسانی ندارد؛ گاهی در پایان بیت یا مصراع شماره پانویس آمده و در پانویس در مورد یکی از کلمات مصراع (نه کلمه آخر مصراع) اختلاف ضبط را آورده است؛ مثلاً در صفحه ۱۱۲ پانویس شماره ۸۳ در آخر مصراع آمده ولی به اختلاف ضبط در آغاز مصراع اشاره شده است؛ یا در صفحه ۱۶۰، پانویس ۱۱۴، با یک شماره به دو مورد در آغاز و میان مصراع پرداخته شده است). گاهی بالای هر کلمه یا حرف به صورت جدا شماره‌ای می‌آید و در پانویس اختلاف نسخ در مورد آن واژه یا حرف ذکر می‌شود. البته این اشکال از لحاظ علمی خدشه‌چندانی بر کار وارد نمی‌کند و فقط موجب نازیبایی و بی‌نظمی کار و خستگی خواننده می‌شود.

### ۵.۱.۳ بی‌دقتی در نقل اختلاف نسخ

مهم‌ترین اشکال در این اثر دقت ناکافی در نقل اختلاف نسخ است که باعث راه‌یافتن اشکالات مهمی در بعضی ابیات و دور شدن بیت‌ها از صورت اصلی خود شده است. این

بی دقتی‌ها، که موارد آن اصلاً کم نیست، موجب می‌شود به هرآنچه در پانویس به‌عنوان اختلاف نسخ آمده است بی‌اعتماد باشیم. در این جا برای نمونه، از قصیده ۱۳ تا پایان قصیده ۴۲ قدیم‌ترین دست‌نویس استفاده‌شده در این چاپ، یعنی دست‌نویس مل، مقابله شده و بعضی از اشکالات راه‌یافته در نقل اختلافات ضبط این نسخه (نه به‌تمامی، بلکه صرفاً مواردی برای نمونه) ذکر شده است. درکنار آن، ضبط اصلی دست‌نویس مل (غالباً بدین صورت: درست: «...») آمده است:

- صفحه ۱۵، پانویس ۱۱: «به جز مل: تابرنزنی [یعنی مل: می‌نزنی]»؛ درست: «برنزی» و بالای سطر به خطی دیگر: «می‌نزی»؛

- صفحه ۱۵، پانویس ۳۵: «مل: از اینها»؛ درست: «اینها»؛

- صفحه ۱۵، پانویس ۵۸: «مل: گل و برخوار»؛ درست: «کل بربار»؛

- صفحه ۱۶، پانویس ۴: «مل: سنگدلان را»؛ درست: «بی می سببان را»؛

- صفحه ۲۱، پانویس ۱۱: «مل: راحت فزاید»؛ درست: «راحت ...؟ ... ند؟» (خط زده شده است)؛

- صفحه ۲۴، پانویس ۳۵: اشاره نشده که در دست‌نویس مل چه ضبطی آمده است. در مل، «بریزد/ریزد؟» بوده و با قلم دیگری کلمه به «بسوزد» تغییر یافته است؛

- صفحه ۲۸، پانویس ۳۰: «مل: بنو»؛ درست: «بتو»؛

- صفحه ۲۹، پانویس ۹: «مل: خورشید جین سرزده حمی که باختست»؛ درست: «... حبسی؟ ... تاختست/باختست؟ [حرف اول بی نقطه]»؛

- صفحه ۳۴، پانویس ۴۸: «اصل: ندهد (متن: نشود) از استاد دهخداست»؛ اما در مل نیز «نشود» آمده است؛

- صفحه ۳۷، پانویس ۲۲: «مل: زر نهاد گوشوار»؛ درست: «... زر نهاد گوشوار»؛

- صفحه ۳۸، پانویس ۴۱: «مل: جودیست»؛ درست: «جودست»؛ به‌علاوه، بیت در حاشیه و به خط جدیدتر آمده است؛

- صفحه ۳۸، پانویس ۴۹: «مل: به سعی»؛ درست: «به سعد» که با خط جدیدتر تبدیل شده است به «به سعی از»؛

- صفحه ۴۲، پانویس ۴۸: «مل: هشتصد حصار»؛ درست: «مقصد هزار»؛

- صفحه ۴۹، پانویس ۱۷: «نسخه‌های دیگر به جز مل: خمیر»؛ اما مل هم «خمیر» آورده است؛

- صفحه ۵۹، پانویس ۱: «مل: گر تنت»؛ درست: «از تنت»؛
- صفحه ۵۹، پانویس ۴: «مل: که هم زهرست مارافسای و هم زهرست تریاقش»؛ درست: «که هم زهرست مارافسای و هم مارست تریاقش»؛
- صفحه ۵۹، پانویس ۱۳: «مل: با»؛ درست: «بر»؛
- صفحه ۵۹، پانویس ۱۴: «مل: ظهیر خویش اگر بودی»؛ درست: «ظهیر عشق اگر بودی»؛
- صفحه ۵۹، پانویس ۱۵: «مل: چه»؛ درست: «چو»؛
- صفحه ۶۴، پانویس ۲: «مل: همی گوش می دهیم ز رنگ»؛ درست: «همی گوش می دهم ر رنگ»؛
- صفحه ۶۸، پانویس ۴۶: «مل: شده اطراف وادی پر سنابل»؛ درست: «شده وادی چو اطراف سنابل».

هم چنین در مورد ادامه قصیده با مطلع:

نوروز فرخ آمد و نغز آمد و هژیر با طالع مبارک و با کوكب منیر

مصحح در پانویس مربوط به بیت «شیخ العمید صاحب سید که ایمنست / اندر پناه ایزد و اندر پناه میر» (همان: ۴۸) نوشته است: «از این بیت به بعد تا پایان قصیده در نسخه‌ها نیست. ما آن را از مجله یادگار ... و جنگ تربیت ... برداشتیم ...» (همان: ۵۰). اما اتفاقاً در جنگ کتابخانه مرکزی (جم) که مصحح هم بارها از آن در جای جای تصحیح خود استفاده کرده، و از نظر او جنگ بسیار مورد اعتمادی هم بوده، ادامه این قصیده آمده است.

نیز درباره بیت:

تا بدانند خواجه کش دشمن کدام و دوست

در سرای این و آن نیکوتر استقصا کند

(همان: ۲۵)

نوشته است: «این بیت در نسخه‌ها نیست؛ از جنگ مرحوم تربیت است (به نقل از حاشیه چ ۱ [دیوان چاپ شده منوچهری در سال ۱۲۹۵])» (همان: ۲۶). اما بیت در خلاصه اشعار تقی الدین کاشانی (با علامت «خ»)، که مصحح آن را در اختیار داشته، نیز آمده است.

البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هنگامی که مصحح از دست نویس های فراوانی برای تصحیح بهره می برد، احتمال اشتباه بسیار بالا می رود؛ با امکانات محدودی که در آن زمان بوده، امکان اشتباه دوچندان می شده است.

۶.۱.۳ هم‌چنین نکته مهمی در مورد کهن‌ترین دست‌نویس در چاپ دبیرسیاقی، یعنی دست‌نویس مل، وجود دارد و آن این است که کسی، با قلمی دیگر، اصلاحاتی در متن و گاه در حاشیه انجام داده و کلماتی را از بیت‌ها کاسته یا بدان‌ها افزوده یا تغییراتی در بیت‌ها وارد کرده است. این قلم بسیار جدیدتر از قلم کاتب اصلی است و بنابراین ارزش آن با ارزش دست‌نویسی با آن تاریخ کتابت یکی نیست. در این چاپ، مصحح بدون اشاره به این‌که ضبط نقل‌شده از حاشیه مل است یا با قلمی دیگر کتابت شده، تمام آن موارد را به‌عنوان ضبط دست‌نویس مل نقل کرده است. برای نمونه، به این موارد اشاره می‌شود:

- صفحه ۱۱۲، پانویس ۳۱: «مل: سحرهای»؛ اما این ضبط اصلاح کسی دیگر و با خطی جدیدتر است و در اصل نسخه «جز [دو نقطه زیر و یک نقطه بالای کلمه!] خیالی» نوشته شده است؛

- صفحه ۱۱۲، پانویس ۴۲: «مل: گیری»؛ ولی این به‌خط کاتبی است که در اصل نسخه دست برده است و در اصل نسخه «حاری» است؛

- صفحه ۱۱۴، پانویس ۱۲: «مل: غیبت»؛ اما ضبط مل «غربت» است و کسی به خط جدیدتر بالای کلمه «غیبت» نوشته است.

این موارد کم نیست. همین آسان‌گیری در نقل ضبط نسخ موجب راه‌یافتن اشکالاتی در تصحیح بیت شده است. برای نمونه، به بیت زیر بنگرید:

اختیار دست او جودست جود بی‌ریا      اعتقاد رای او عین است عین بی‌عیار

(همان: ۳۷)

بیت به این صورت در دیوان چاپی آمده، اما در تمام دست‌نویس‌ها به‌جای «عیار» آمده است «عوار». در پانویس (همان: ۳۸)، درباره قافیه بیت نوشته شده: «به جز مل: عوار»؛ ولی، این بیت اصلاً در دست‌نویس مل نیامده و کسی با خطی جدیدتر آن را به حاشیه افزوده است. در این‌جا، مصحح ضبط تمام نسخ را کنار گذاشته و ضبط متأخر حاشیه دست‌نویس مل را به متن برده است!

در مورد «عین است عین» در همین مصراع باید گفت که این بخش از مصراع نیز در هیچ دست‌نویسی وجود نداشته و مصحح براساس نظر دهخدا آن را به «عین است عین» بدل کرده است. در دست‌نویس‌های مورد استفاده مصحح، به‌جای این بخش، «عدل است عدل» یا «عدلیست عدل» و «عدلست و عدل» آمده است. در جم، مر، ح ملک، و ملک ۲

«عدلست عدل» دیده می شود که همین صورت درست و بی اشکال است؛ بنابراین، صورت درست بیت براساس نسخه های دیوان منوچهری باید چنین باشد:

اختیار دست او جودست جود بی ریا      اعتقاد رای او عدلست عدل بی عوار

### ۲.۳ روش تصحیح

اشکال دیگری که بر کار مصحح می توان گرفت این است که روش تصحیح او یکسان نیست؛ یکبار توجه به ضبط اکثر نسخ موجب برگزیدن یک ضبط می شود؛ بار دیگر آنچه در دست نویس کهن تر آمده به متن برده می شود (حتی اگر مخالف با تمام دست نویس های دیگر باشد)؛ و باری دیگر خواننده شاهد تصحیح قیاسی و حتی ذوقی نالازم و نادرست و بی توجهی به ضبط درست تمام دست نویس هاست، درحالی که معنای بیت با ضبط اصلی درست و بی اشکال است. برای این مورد آخر چند نمونه ذکر می شود:

بر شاخ نار اشکفه سرخ شاخ نار      چون از عقیق نرگسدانی بود صغیر

(همان: ۴۸)

در پانویس مربوط به این بیت (همان: ۴۹) می خوانیم: «اصل: بشکفه (متن تصحیح قیاسی است. اشکفه = شکفه = شکوفه)». مصحح، با تصحیح قیاسی، لغت «بشکفه» را به «اشکفه» تغییر داده است، درحالی که نیازی به این تصحیح قیاسی نیست؛ زیرا همان طور که واژه «بشکوفه» به معنای «شکوفه» وجود داشته است (برای مثال، در شاهنامه فردوسی بارها دیده شده؛ بنگرید به دنباله مقاله)، «بشکفه» نیز می تواند همان معنا و کاربرد را داشته باشد و تغییر آوایی «بشکوفه» به «بشکفه» اصلاً بعید نیست. چند نمونه از کاربرد این واژه در شاهنامه در این جا ذکر می شود:

به هنگام بشکوفه و گلستان      بیاورد لشکر ز زاولستان

(فردوسی ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۳۷)

وگر بازگردی به زاولستان      به هنگام بشکوفه و گلستان

بیابی تو چندان ز من خواسته      که گردد بر و بومت آراسته

(همان: ج ۵، ۳۳۴)

در کتب لغت نیز به فراوانی این کلمه را می توان دید؛ از آن جمله به دو نمونه زیر بنگرید:

- «التنویر: به بشکوفه بیاوردن نبات» (زوزنی ۱۳۷۴: ۶۰۰)؛  
- «الزهار: بشکوفه بیاوردن نبات و روشن بکردن چراغ» (بیهقی ۱۳۶۶-۱۳۷۵: ج ۲، ۴۵۰).  
بنابراین، صورت درست بیت همان است که در تمام نسخ آمده:

بر شاخ نار بشکفته سرخ شاخ نار      چون از عقیق نرگسدانی بود صغیر

نمونه‌ای دیگر:

تا شیر در میان بیابان کند خروش      تا مرغ در میان درختان زند صغیر

(منوچهری ۱۳۹۲: ۴۹)

در زیرنویس مربوط به مصراع دوم آمده است: «اصل: کند». اما مصحح «زند» را با تصحیح قیاسی به جای «کند» در متن جای داده است. «صغیرکردن» کاملاً درست است و هیچ اشکال معنایی ای ندارد و نیازی به تصحیح قیاسی نیست. صورت درست بیت همان است که در تمام نسخ آمده:

تا شیر در میان بیابان کند خروش      تا مرغ در میان درختان کند صغیر

موردی دیگر بررسی می‌شود:

خجسته خواجه والا در آن زیبا نگارستان      گرازان روی سنبل‌ها و یازان زیر عرعرها

(همان: ۳)

در پانویس آمده است: «همه‌جا: تازان، ع: نازان». در تمام دست‌نویس‌هایی که نگارنده در اختیار دارد، هم‌چون مر، گل ۱، تب، و گل ۲، در مصراع دوم، «نازان زیر عرعرها» آمده است و در دست‌نویس ع از چاپ دبیرسیاقی نیز همین ضبط را می‌توان دید. به نظر می‌رسد «گرازان ... نازان» که در دست‌نویس ع هم آمده است اشکالی ندارد؛ بنابراین، انتخاب ضبط «یازان» ترجیحی بر «نازان» ندارد و نیازی به این تصحیح قیاسی نیست. حتی اگر ضبط اکثر نسخ این چاپ (تازان) را نیز در نظر بگیریم، باز هم بیت اشکال معنایی ندارد و دست‌کم از لحاظ روش کار (البته باتوجه‌به دست‌نویس‌هایی که در دیوان چاپی آمده) ایرادی بر این انتخاب نمی‌توان گرفت.

«نازان» به معنی «خرامیدن با ناز» است. نمونه‌هایی از باهم‌آیی «گرازان» و «نازان» در یک بیت ذکر می‌شود تا روشن شود که این صورت هیچ اشکالی ندارد:



روش تصحیح متن در دیوان منوچهری دامغانی، به تصحیح ... ۱۷

برفتند یکسر ز پیش سپاه گرازان و نازان به نزدیک شاه

(فردوسی ۱۳۸۶: ج ۳، ۲۸)

نازان و گرازان به وثاق آمد یار نازان چو گل و مل و گرازان چو بهار

(سنایی ۱۳۴۱: ۱۱۴۰)

خندان و دل گشای و طرب ناک و بزم جوی

نازان و لهویاب و گرازان و شادخوار

(مختاری غزنوی ۱۳۴۱: ۹۲)

البته بعضی از این تصحیحات قیاسی نادرست به سبب اعتماد بیش از حد مصحح به نظرات و نوشته‌های استادان ادب فارسی از جمله علی‌اکبر دهخداست. دهخدا در حواشی دست‌نویسی که در دست‌رس مصحح نیز بوده است گاهی نظرات شخصی خود را و گاهی ظاهراً اختلاف نسخ دیگری را که در اختیار داشته نوشته است.<sup>۴</sup> تمام این نظرها را مصحح در پانوشت صفحات نقل کرده و در بسیاری موارد حدس / نسخه‌بدل دهخدا را بدون در نظر گرفتن نسخ دیگر به متن برده و تصحیح قیاسی کرده است. باید در نظر داشت که آنچه دهخدا در حاشیه یک دست‌نویس نوشته است لزوماً به معنی تأیید آن نیست و ممکن بود اگر خود او هم قصد تصحیح دیوان منوچهری را داشت، همه آن نظرها را به متن راه نمی‌داد. البته گزارش حدس و نظر او در این چاپ کاری شایسته، به‌جا، سودمند، و لازم بوده است؛ اما، این حدس‌ها یا نسخه‌بدل‌ها نباید دلیل موجهی برای نادیده گرفتن ضبط دست‌نویس‌های دیگر باشد. چند نمونه برای روشن شدن مطلب ذکر می‌شود.

در بیت:

بر لاله کند سرخ گل افسوس همی نرگس گل را دست دهد بوس همی

(منوچهری ۱۳۹۰: ۱۷۱)

در تمام دست‌نویس‌ها، به جای «سرخ گل» در مصراع نخست «شاخ گل» آمده است. مصحح در پانوشت مربوط به این بیت آورده است: «اصل: شاخ گل. متن از استاد دهخداست.» «شاخ گل» چه اشکال معنایی‌ای دارد که ضبط تمام نسخ را باید نادیده گرفت و آن را به «سرخ گل» تغییر داد؟ ذکر «شاخ» برای گل به‌کرآت در متون دیده شده است و نیازی به آوردن شاهد برای اثبات آن نیست. صورت درست بیت همان است که در تمام نسخ آمده:

بر لاله کند شاخ گل افسوس همی نرگس گل را دست دهد بوس همی

در این بیت:

برنه به کف دستیم آن جام چو کوثر      جام دگر آور به کف دست دگر نه

(همان: ۹۹)

در پانویس آمده است: «اصل: دستم. متن از استاد دهخداست». اما صورت اصلی هیچ اشکالی ندارد و بیت درست است.

در پانویس مربوط به این بیت:

مرا گفت ای ستمکاره بهجایم      به کام حاسدم کردی و عاذل

(همان: ۶۵)

آمده است: «اصل: به جانم. متن از استاد دهخداست». جز در دست‌نویس‌های این چاپ، این بیت در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، خ، تش، و جنگ ۴۴ مجلس نیز آمده و در همه جا «جانم» است. هیچ اشکالی در این صورت وجود ندارد و نیازی به تصحیح قیاسی نیست.

در این جا، چند نمونه از این کاربرد (ستم بر جان کسی / چیزی) در شعر شاعران دیگر ذکر می‌شود:

مکن بر تن و جان ما بر ستم      همی از تو بینم همه باد و دم

(فردوسی ۱۳۸۶: ج ۷، ۶۰۶)

ستم باد بر جان آن ماه و سال      کجا بر تن تو شود بدسگال

(همان: ج ۲، ۳۴۲)

ز آن می لعل قلع پرکن و نزدیک من آر      بر تن و جان نتوان کرد ازین بیش ستم

(فرخی سیستانی ۱۳۴۹: ۲۴۵)

### ۳.۳ ویرایش‌های نادرست در چاپ‌های بعدی دیوان

بخش دیگری از اشکالات این دیوان به اصلاحاتی مربوط می‌شود که در چاپ‌های بعدی دیوان صورت گرفته است. البته این ویرایش‌ها و اصلاحات مجدد خود مزیتی برای هر تصحیح به‌شمار می‌آید؛ در این چاپ نیز گاهی اصلاحاتی صحیح صورت گرفته است، اما بیش‌تر این اصلاحات و ویرایش‌ها در راه آسان‌تر کردن مفهوم بیت و اشتباه بوده است.

مصحح معمولاً در این ویرایش‌ها یا از نسخ بسیار متأخر بهره برده یا به تصحیح قیاسی دست زده است. دو نمونه از این موارد در این جا ذکر می‌شود. نمونه نخست از تصحیحاتی است که درست به نظر می‌آید و نمونه دوم نمونه‌ای است از تصحیح مجدد نادرست.

بیت:

طبیعت منست گاه شعر من      جمیل را بُئینه طباطبای او

(منوچهری ۱۳۹۰: ۹۴)

در چاپ‌های پیشین (منوچهری ۱۳۸۱) بدین صورت بود:

طبیعت منست گاه شعر من      جمیل و شه (?) طباطبای او

اگرچه بیت پس از تصحیح مجدد هم‌چنان دچار اشکال است، ظاهراً این تصحیح قیاسی مجدد بیت را به صورت درست آن کمی نزدیک کرده است؛ زیرا «بئینه» و «جمیل» دو عاشق و معشوق معروف عرب بوده‌اند. ابوعمر و جمیل ابن عبدالله از بلندآوازه‌ترین نمایندگان مکتب غُذری در عصر اموی بود. وی عاشق دختر عمویش بُئینه بود و به همین سبب به «جمیل بئینه» نیز معروف است. از او اشعار عاشقانه سوزانی در عشق این زن برجا مانده است. از بئینه نیز دو بیت در رثای جمیل باقی مانده است (بنگرید به ناهوندی ۱۳۹۳: ذیل مدخل «جمیل بن عبدالله»).

حال نمونه‌ای از تصحیح قیاسی نادرست در چاپ‌های بعدی ذکر می‌شود:

[کنون هر وقت و هر ساعت به زیر شاخ و زیر گل

تن خویش و تن ما را چهار آلائی کن آحری]

یکی طنبورۀ کویی دوم طنبور حدادی

سه دیگر جام بغدادی چهارم باده الصری

(منوچهری ۱۳۸۱: ۱۲۶)

در چاپ‌های جدید (۱۳۹۰)، بیت بدین صورت تغییر یافته است:

یکی طنبورۀ کویی دوم طنبور حدادی

سه دیگر جام بغدادی چهارم باده حمری

صورتی که در چاپ‌های پیشین آمده مطابق با ضبط دست‌نویس عد بوده است.<sup>۵</sup> هرچند به این صورت هم بیت دچار گشتگی و تصحیف است، به هر حال نقاشی‌ای از صورت

اصلی کلمات است و ممکن است برای پژوهش‌گران بعدی راه‌گشا باشد. در تصحیح جدید، بیت به صورتی تبدیل شده که امروزی و قابل فهم است، ولی هیچ دست‌نویسی آن را تأیید نمی‌کند.

### ۴.۳ روشن نبودن مبنای گزینش بیت‌های اصلی و الحاقی

ایراد مهم دیگری که بر کار مصحح می‌توان گرفت این است که روشن نیست بر چه اساس و مبنایی بعضی ابیات یا اشعار منسوب به منوچهری در داخل متن وارد شده و بعضی دیگر در بخش ابیات منسوب بدو آمده است. برای مثال، بیت:

آسمان خیمه زد از بیرم و دیبای کبود      میخ آن خیمه ستاک سمن و نسترن

در چاپ دبیرسیاقی، دومین بیت دیوان است. در پانویس مربوط به این بیت (منوچهری ۱۳۹۰: ۲) آمده است: «این بیت در فرهنگ جهانگیری به شاهد لغت "بیرم" آمده است، اما سراینده آن را نام نبرده و می‌نمود که از منوچهری و جای آن پس از مطلع باشد (افادات استاد دهخدا)». براساس حدس و نوشته دهخدا در حاشیه یک دست‌نویس، بیتی که در هیچ‌یک از نسخ دیوان منوچهری به نام او نیامده، صرفاً به دلیل یکی بودن وزن و قافیه آن با یکی از قصاید منوچهری، در میان ابیات دیوان او و به نام او آمده است! نمونه دیگر دو بیت زیر است که تنها در یکی از نسخ بسیار متأخر دیوان منوچهری آمده است:

هست ایام عید و فصل بهار      جشن جمشید و گردش گلزار  
ای نگار بدیع وقت صبح      زود برخیز و راح روح بیار

این دو بیت را دبیرسیاقی (منوچهری ۱۳۹۰: ۲۱۱) به نقل از دست‌نویس الف در چاپ خود در بخش «دوبیتی‌ها» آورده است؛ اما، از آن‌جا که این دوبیتی فقط در یک دست‌نویس متأخر آمده است و نیز با توجه به ترکیب «راح روح» که به سبک منوچهری و شاعران هم عصر او شبیه نیست، از منوچهری نباید باشد. نمونه دیگر رباعی زیر است:

مسعود جهاندار چو مسعود ملک      بنشست بحق به جای محمود ملک  
از ملک جز این نبود مقصود ملک      کز ملک به تربیت رسد جود ملک

این رباعی نیز، هم چون دوبیتی پیشین، فقط در دست‌نویس الف چاپ دبیرسیاقی آمده، اما مصحح آن‌ها را در بخش اصلی دیوان وارد کرده است. ولی، دو قطعه و چهار بیت دیگر منسوب به منوچهری از همین دست‌نویس (الف) در بخش اشعار منسوب به منوچهری آمده است (بنگرید به منوچهری ۱۳۹۰: ۲۱۷-۲۱۸).

هم‌چنین، مصحح سه بیت را از تذکره تقی‌الدین کاشی (خ) در بخش شعرهای منسوب به منوچهری (همان: ۲۱۹) آورده‌اند. بیت اول از این سه بیت این است:

هلال عید بدانگونه رخ نمود به ما

چو عاشقی که شد از هم نزار و زرد و دوتا

جالب آن است که ۲ دوبیتی از یک نسخه نه‌چندان معتبر و بسیار متأخر (دست‌نویس الف) وارد متن دیوان می‌شود، اما بیت‌هایی که به گفته مصحح در تذکره تقی کاشی (خ) (که تذکره بسیار مهمی است) به نام منوچهری آمده است در بخش ابیات منسوب به او آورده می‌شود. البته به این نکته هم باید اشاره کرد که مصحح این جا دچار اشتباه دیگری نیز شده است: چنین بیتی در تذکره کاشی در بخش مربوط به منوچهری نیامده است و احتمالاً او بیت را از جنگی دیگر یافته و به اشتباه آن را به تذکره کاشی منتسب کرده است. نمونه بعد قطعه زیر است:

ای دل چو هست حاصل کار جهان عدم	بر دل منه ز بهر جهان هیچ بار غم
افکنده هم‌چو سفره مباش از برای نان	هم‌چون تنور گرم مشو از پی شکم
تو مست خواب غفلتی و از برای تو	ایزد فکنده خوان کرم در سپیده دم

(همان: ۷۳)

این قطعه در هیچ‌یک از دست‌نویس‌های قدیمی تر دیوان منوچهری نیامده است و سبک آن به سبک منوچهری نزدیک نیست و از او نباید باشد. دبیرسیاقی درباره این قطعه از قول دهخدا نوشته است: «این قطعه در دیوان کهنه ابن یمن فریومدی نیز آمده است». معمولاً وقتی شعری به دو یا چند شاعر نسبت داده می‌شود، احتمال این که آن شعر از شاعری باشد که شهرت کم‌تری دارد بیش‌تر است. به نظر نگارنده این سطور، این قطعه بی‌گمان از آن منوچهری نیست و احتمالاً سروده ابن یمن فریومدی است؛ از لحاظ محتوا نیز با خلیفات او بیش‌تر شباهت دارد تا منوچهری. جز این، سبک شعر به شعر سده هشتم بیش‌تر شبیه است تا شعر سده پنجم. باین حال، این شعر در متن اصلی دیوان منوچهری وارد شده که اشتباه است.

نیز، مصحح در بخش «شعرهای منسوب به منوچهری دامغانی» (همان: ۲۱۹) نوشته است: «در مجله اطلاعات هفتگی (جمعه ۱۵ تیر ۱۳۳۴) به نقل از جنگی کهن، یازده بیت به نام منوچهری آمده است که مؤیدی بر صحت انتساب آن نداریم». او حتی این ابیات را نقل نکرده است. در این شماره از اطلاعات هفتگی و هیچ یک از شماره‌های آن سال هیچ شعری به منوچهری نسبت داده نشده و معلوم نیست این اطلاع از کجا به دست آمده است.

#### ۴. نتیجه گیری

در این مقاله، روشی که مصحح در تصحیح متن اتخاذ کرده بررسی می‌شود. این بررسی چهار بخش را در بر می‌گیرد: ۱. چگونگی گزینش، معرفی، و به کارگیری نسخ، ۲. روش تصحیح متن، ۳. ویرایش‌هایی که در چاپ‌های بعدی انجام گرفته است، و ۴. نحوه گزینش بیت‌های اصلی و الحاقی منوچهری در این چاپ. در بخش یک، به توضیحات ناکافی مصحح درباره نسخه‌های استفاده شده در این تصحیح، نبود معیار ثابت برای گزینش این نسخ، بی‌دقتی در نقل اختلاف نسخ و عدم یک‌دستی در ارائه این اختلافات، و نیز کم‌توجهی مصحح به دست‌نویس‌های معتبرتر و بهادادن به دست‌نویس‌های متأخرتر که صورت آسان‌شده‌ای از ابیات را دارند، پرداخته شد. در بخش‌های دیگر، به ترتیب، به یک‌سان‌نبودن روش مصحح در تصحیح متن، ویرایش‌های نادرست راه‌یافته به متن در چاپ‌های بعدی دیوان، و روشن نبودن مبنای گزینش بیت‌های الحاقی و اصلی اشاره شده است. در کنار این موارد، با استفاده از دست‌نویس‌های معتبرتر و کهن‌تر، بیت‌هایی از دیوان منوچهری نیز تصحیح مجدد شده است. با توجه به موارد گفته شده در مقاله و با در نظر گرفتن اقدام و اصح نسخ موجود از دیوان این شاعر و نیز ضرورت به کارگیری روشی علمی برای تصحیح، لزوم تصحیح مجدد دیوان منوچهری احساس می‌شود.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. در این مقاله، هر بیت که بیت اصلی و بیت مورد بحث نیست، اما از نظر معنایی به بیت مورد بحث در مقاله مربوط است، درون قلاب آورده شده است.
۲. «بیضة کافور» کافوری است که آن را به شکل تخم درآورده باشند. گاه انواع عطرهای خشک و جامد هم چون کافور و عنبر را به شکل یک تخم مرغ درمی‌آوردند و به آن‌ها «بیضة کافور» و «بیضة عنبر» می‌گفتند.

۳. برای مشاهده نمونه‌هایی از فعل «بازکردن» به معنی «چیدن»، بنگرید به بلعمی ۱۳۴۱: ۴۰۵؛ طبری ۱۳۴۳: ج ۷، ۱۹۱۵؛ زوزنی ۱۳۷۴: ۳۰؛ مهلوی ۱۳۳۸: ج ۱، ۶۱.
۴. این حدس دوم بر این اساس گفته می‌شود که بسیاری از حواشی دهخدا را که مصحح نقل کرده است در دست‌نویس‌های خود مصحح نبوده است؛ این موارد را نگارنده در دست‌نویس‌های دیگری که در اختیار دارد یافته است.
۵. در میان دست‌نویس‌های به‌کاررفته در این تصحیح، این بیت فقط در دست‌نویس عد آمده است.

### کتاب‌نامه

- آبادیان، راضیه (۱۳۹۲)، «معنای گمشده‌ای از شافیه / شیاف در متون فارسی»، *ویژنه‌نامه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان*، ش ۵ و ۶.
- آبادیان، راضیه (۱۳۹۴)، «سخنی چند درباره دیوان منوچهری دامغانی به تصحیح حبیب یغمایی»، *گزارش میراث*، دوره ۲، س ۹، ش ۵ و ۶.
- آبادیان، راضیه (۱۳۹۶)، «توضیحاتی درباره دیوان منوچهری به تصحیح سعید شیری و بازنگری در تصحیح برخی ابیات منوچهری»، *گزارش میراث*، دوره ۳، س ۲، ش ۱ و ۲.
- ابن‌مندویه، احمد ابن عبدالرحمن (۱۳۵۴)، «رسالة فی اصول الطیب و المركبات»، در: *فرهنگ ایران‌زمین*، ج ۱۵، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- امیرمعزی، محمد ابن عبدالملک (۱۳۱۸). *دیوان*، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- بلعمی، ابوعلی محمد ابن محمد (۱۳۴۱)، *تاریخ بلعمی (تکمله و ترجمه تاریخ طبری)*، تصحیح محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ.
- ابوریحان بیرونی، محمد ابن احمد (۱۳۷۰)، *الصیدته فی الطب*، به تصحیح عباس زریاب، تهران: نشر دانشگاهی.
- تذکره شعرا* (ق ۷-۸)، جنگ شماره ۹۰۰، کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.
- جام هروی، سیف (۷۵۹-۸۰۴ ق)، *مجموعه لطایف و سفینه ظرایف*، دست‌نویس شماره ۴۱۱۰ or، کتاب‌خانه بریتانیا.
- جنگ (بی‌تا)، شماره ۲۴۴۹، کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران.
- جنگ (بی‌تا)، شماره ۴۴، کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.
- خلاصه الاشعار* (بی‌تا)، دست‌نویس شماره ۲۷۲ فیروز، کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.
- نصیرالدین طوسی، محمد ابن محمد (۱۳۴۸)، *تنسوخ‌نامه ایلخانی*، با مقدمه و تعلیقات محمدتقی مدرس رضوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

دالوند، یاسر (۱۳۹۵)، «نقد و بررسی تصحیح و شرح دیوان اشعار منوچهری دامغانی»، *آینه میراث*، دوره ۱۴، ش ۵۹.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران و لغت‌نامه دهخدا.

زوزنی، حسین ابن احمد (۱۳۷۴)، *المصادر*، به کوشش تقی بینش، تهران: البرز.

سنایی، مجدود ابن آدم (۱۳۴۱)، *دیوان*، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران: ابن سینا.

مهدوی، یحیی (۱۳۳۸)، ترجمه و قصه‌های قرآن: از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، به سعی و اهتمام یحیی مهدوی و مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران. شهردان ابن ابی‌الخیر (۱۳۶۲)، *نزهت‌نامه علائی*، به تصحیح فرهنگ جهانپور، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

طبری، محمد ابن جریر (۱۳۴۳)، *ترجمه و تفسیر طبری*، به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی، تهران: دانشگاه تهران.

مختاری غزنوی، عثمان ابن عمر (۱۳۴۱)، *دیوان*، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

عطار (?)، محمد ابن ابراهیم (۱۳۳۹)، *خسرونامه*، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران: انجمن آثار ملی.

«عطرنامه علائی» (۱۳۴۷)، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، در: *فرهنگ ایران‌زمین*، ش ۱۵.

کاشانی، عبدالله ابن علی (۱۳۴۵)، *عرایس الجواهر و نفایس الاطایب*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.

فرخی سیستانی، علی ابن جولوغ (۱۳۴۹)، *دیوان*، به کوشش محمد دبیرسیاقتی، تهران: زوار.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

قطران، ابومنصور (۱۳۳۳)، *دیوان*، به کوشش محمد نخجوانی، تبریز: چاپ‌خانه شفق.

مجیرالدین بیلقانی (۱۳۵۸)، *دیوان*، به کوشش محمد آبادی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

مسعود سعد سلمان (۱۳۶۴)، *دیوان*، به کوشش مهدی نوریان، اصفهان: کمال.

بیهقی، احمد ابن علی (۱۳۶۶-۱۳۷۵)، *تاج المصادر*، به کوشش هادی عالم‌زاده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

منوچهری، احمد ابن قوص (ق ۹)، *دیوان*، دست‌نویس شماره ۷۲۵، کتاب‌خانه ملی پاریس.

منوچهری، احمد ابن قوص (۱۰۱۰ ق)، *دیوان*، دست‌نویس شماره ۴۶۶۹، کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران.

منوچهری، احمد ابن قوص (۱۰۱۱ ق)، *دیوان*، دست‌نویس شماره ۵۰۰۴، کتاب‌خانه ملک.

منوچهری، احمد ابن قوص (۱۲۵۸ ق)، *دیوان*، مجموعه ۲۵۸۶/۳ (شماره جدید: ۵۷)، کتاب‌خانه مرکزی (ملی قدیم) تبریز.



- منوچهری، احمد ابن قوص (۱۲۰۴ ق)، *دیوان*، شماره ۵/۱۱۰-۸۲۰، کتابخانه گلپایگانی قم.
- منوچهری، احمد ابن قوص (۱۲۵۸ ق)، *دیوان*، شماره ۵۲۷۵، کتابخانه ملک.
- منوچهری، احمد ابن قوص (۱۲۶۰ ق)، *دیوان*، دست‌نویس شماره ۴۴/۳۸-۷۴۲۴، کتابخانه گلپایگانی قم.
- منوچهری، احمد ابن قوص (۱۲۶۰ ق)، *دیوان*، دست‌نویس شماره ۲۲/۹۱، کتابخانه دهخدا.
- منوچهری احمد ابن قوص (۱۳۱۸)، *دیوان*، تصحیح محمدحسین نهایندی، تهران: شرکت چاپ کتاب.
- منوچهری احمد ابن قوص (۱۳۲۶)، *دیوان*، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: پاکتیچی.
- منوچهری احمد ابن قوص (۱۳۸۱)، *دیوان*، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: زوآر.
- منوچهری احمد ابن قوص (۱۳۸۷)، *دیوان*، به کوشش برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.
- منوچهری، احمد ابن قوص (۱۳۹۰)، *دیوان*، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران: زوآر.
- منوچهری احمد ابن قوص (۱۳۹۲)، *دیوان*، به تصحیح حبیب یغمایی، به کوشش و مقدمه سید علی آل داود، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- منوچهری احمد ابن قوص (۱۳۹۵)، *دیوان*، مقدمه، تصحیح، ویرایش، و گردآوری سعید شیری، تهران: نگاه.
- نظامی، الیاس ابن یوسف (۱۳۷۹)، *اقبال‌نامه*، تصحیح و شرح بهروز ثروتیان، تهران: توس.
- نهایندی، زهرا (۱۳۹۳)، *دانش‌نامه جهان اسلام*، زیر نظر غلام‌علی حداد عادل، ج ۱۰، ذیل مدخل «جمیل بن عبدالله»، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

Menoutchehri, Ahmed (1886), *Menoutchehri Poete Persan du Lleme Siecle de Norte ere (du Sieme de l'hegire)*, Texte, Traduction, Notes et Introduction Historique par A. de Biberstein Kazimirski, Paris: Klincksieck.